



انترناسیونال

۱۱۷

حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه، ۱۸ آذر ۱۳۸۴، ۲۹ دسامبر ۲۰۰۵

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416 anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

یک اقدام سمبلیک

صفحه ۸

No To Political Islam
برنامه ای از کانال جدید

صفحه ۸

پیام ما به جهانیان

صفحه ۷

مراسم بزرگداشت
چهاردهمین سالگرد حزب

صفحه ۸



سخنرانی اصغر کریمی در چهاردهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری در لندن

شود. این عین صحبت آقای
داریوش همایون از سیاستمداران
جامعه ایران است. و وقتی آذر

صفحه ۳

از همه شما عزیزان بخاطر
شرکت در مراسم چهاردهمین
سالگرد تاسیس حزب کمونیست
کارگری ایران تشکر میکنم.
حدود يك ماه پیش در
مصاحبه ای با داریوش همایون
در کانال جدید، داریوش همایون
گفت کارگران باید تا سی سال
دیگر بیشتر از آن چیزی که فکر
میکند کار کنند و کمتر از
آنچیزی که انتظار دارند دستمزد
بگیرند تا اقتصاد مملکت درست



ستون اول

حمید تقوایی

۱۶ آذر و رویارویی جنبش دانشجویی با دولت احمدی نژاد

امسال ۱۶ آذر روز هراس حکومت از بالا
گرفتن اعتراضات دانشجویان و مردم بود. دو
روز مانده به ۱۶ آذر ناگهان به بهانه آلودگی
هوا تعطیل عمومی اعلام شد و از صبح ۱۶
آذر نیروهای سرکوبگر و گله های اوباش حزب
الهی را در اطراف دانشگاهها مستقر کردند
که این روز "بی خطر" بگذرد. عملاً يك نوع
حکومت نظامی اعلام نشده در اطراف
دانشگاهها بر پا کردند و با اینهمه نتوانستند
کاملاً از تجمع و اعتراض مردم و دانشجویان
در جلوی دانشگاهها جلوگیری کنند. صدها
نفر از مردم و دانشجویان از ۹ صبح تا ۴ بعد
از ظهر در خیابانهای اطراف دانشگاه تهران
تجمع کردند و نشان دادند که حتی بستن در
دانشگاه و گسیل ۲۰۰ اتوبوس نیروی ضد
شورش به خیابانهای اطراف دانشگاه نمیتواند
درعزم آنان خللی ایجاد کند. گر چه رژیم
توانست روز دانشجو را آرامتر از سالهای
گذشته از سر بگذراند اما در واقع ۱۶ آذر
امسال روزی بود که بیشتر ضعف جمهوری

صفحه ۲

قطعه نامه دفتر سیاسی

علیه فدرالیسم و مخاطرات ناشی از تنشهای قومی در جامعه

۱- با تجمع جریانات متعدد
قوم پرست به گرد شعار ارتجاعی
فدرالیسم و حمایت بخشهایی از
جریانات ملی- اسلامی و
همچنین برخی از جریانات
استراتژیست آمریکا از این
خواست، تبلیغات و تحرکات قوم
پرستانه و ناسیونالیستی ابعاد
گسترده تری یافته است. سازمان
دادن حکومت فدرال قومی
و شریک شدن ناسیونالیسم کرد در
قدرت سیاسی در عراق از یکسو،
و بحران لاعلاج رژیم اسلامی و
امید به بازی گرفته شدن جریانات
ناسیونالیست قومی بر اساس
سناریوهای نظم نویسی از سوی
دیگر عامل مهمی در تشدید
این تحرکات در شرایط سیاسی
کنونی ایران است.
۲- در دوران نظم نویسی
جهانی، ناسیونالیسم و هویتهای

صفحه ۲

یک کشور آزاد غیر مذهبی، غیر قومی، غیر ملی، با یک قانون واحد برای همه!

(بخش پنجم و پایانی)

ستم ملی، مساله ملی، راه حل کمونیسم کارگری

صفحه ۵

علی جوادی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

از صفحه ۱

ستون اول

از صفحه ۱

قطعه نامه دفتر سیاسی

پرست و ناسیونالیست زمینه ساز
خصوصیت و کشمکش خونین میان

مردم شوند.

۱- راه حل عمومی حزب کمونیست کارگری برای رفع ستم و تبعیض در سراسر ایران برقراری نظامی است که در آن برابری حقوقی کلیه اهالی و ساکنین کشور، مستقل از قومیت، جنسیت، نژاد، مذهب، و اعتقادات، بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق تضمین شده باشد. در کردستان اما با توجه به سابقه طولانی ستم ملی بر مردم و سرکوب خونین خواستها و اعتراضات حق طلبانه و جنبش های اعتراضی علیه ستم ملی در کردستان، چه در رژیمهای سلطنت و اسلامی، حزب در ارتباط با مساله کرد یکبار دیگر بر این موضع اصولی تاکید میکند که "این تنها خود مردم کردستان هستند که حق دارند و باید در یک رفاندوم آزاد تصمیم خود را در باره جدایی کردستان و یا باقی ماندن در چهارچوب کشور بعنوان شهروندان متساوی الحقوق کشور اعلام کنند." از نظر ما موضوع رفاندوم عبارت است از "جدایی از ایران و تشکیل یک دولت مستقل، یا ماندن در چهارچوب ایران با تضمین برابری کامل در کلیه حقوق و آزادی ها بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق کشور" (قطعه نامه دفتر سیاسی در باره حل مساله کرد در کردستان ایران، آذر ۱۳۷۳). در شرایط حاضر توصیه حزب در این رفاندوم ماندن در چهارچوب ایران بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق کشور است. حزب سیاست جریانات ناسیونالیست عظیم طلب ایرانی که بجای پذیرش يك راه حل سیاسی متمدانه و مراجعه به آراء عمومی مردم در کردستان سیاست سرکوب را توصیه میکنند، قویا محکوم میکند.

۲- فدرالیسم و هویت های کاذب قومی و ملی جای چندانی در میان مردم ندارد. هیچ نشانی از وجود يك خصوصیت و کشمکش قومی و ملی در جامعه ایران مشاهده نمیشود. جامعه ایران ائتلاف شکننده و ناپایداری از "اقوام و ملل" نیست که به محض شل شدن قدرت مرکزی در تهران و روشن شدن سقوط محتوم رژیم اسلامی به جان یکدیگر خواهند افتاد. اما علیرغم این واقعیت وقایع دهه گذشته در سطح جهان نشان داده است که حتی جریانات و حرکت های ناسیونالیستی و قومی حاشیه ای تحت شرایط خاصی قادرند بزرگترین جدالها و کشمکش های خونین قومی را بر متن کوچکترین شکاف های ملی و قومی در جامعه بیا کنند. ناسیونالیسم و قوم پرستی در جامعه ایران يك بیماری سیاسی جدی نیست. اما این بیماری نه ریشه کن شده و نه جامعه و مردم در برابر آن واکنشیده شده اند. از این رو حزب با تاکید بر نقش مخرب ناسیونالیسم از هر شاخه و گرایشی اعلام میکند که باید تفکر و سیاست قومی و ملی را با جدیت بیشتر و در تمامی سطوح افشاء و نقد کرد. همانطور که مذهب امروز در اذهان مردم بی آبرو و منفور است، ملی گرایی و قومی گری نیز باید بی آبرو و افشاء شود. حزب سیاست ارتجاعی و قوم پرستانه ناسیونالیست عظیم طلب ایرانی که بجای پذیرش يك راه حل سیاسی متمدانه و مراجعه به آراء عمومی مردم در کردستان سیاست سرکوب را توصیه میکنند، قویا محکوم میکند.

صفحه ۸

سیاستی ارتجاعی است که میتواند عملا به يك کشمکش خونبار میان بخش های مختلف مردم و منجر به پاکسازیهای قومی و ملی در جامعه شود.

۳- فدرالیسم و هویت های کاذب قومی و ملی جای چندانی در میان مردم ندارد. هیچ نشانی از وجود يك خصوصیت و کشمکش قومی و ملی در جامعه ایران مشاهده نمیشود. جامعه ایران ائتلاف شکننده و ناپایداری از "اقوام و ملل" نیست که به محض شل شدن قدرت مرکزی در تهران و روشن شدن سقوط محتوم رژیم اسلامی به جان یکدیگر خواهند افتاد. اما علیرغم این واقعیت وقایع دهه گذشته در سطح جهان نشان داده است که حتی جریانات و حرکت های ناسیونالیستی و قومی حاشیه ای تحت شرایط خاصی قادرند بزرگترین جدالها و کشمکش های خونین قومی را بر متن کوچکترین شکاف های ملی و قومی در جامعه بیا کنند. ناسیونالیسم و قوم پرستی در جامعه ایران يك بیماری سیاسی جدی نیست. اما این بیماری نه ریشه کن شده و نه جامعه و مردم در برابر آن واکنشیده شده اند. از این رو حزب با تاکید بر نقش مخرب ناسیونالیسم از هر شاخه و گرایشی اعلام میکند که باید تفکر و سیاست قومی و ملی را با جدیت بیشتر و در تمامی سطوح افشاء و نقد کرد. همانطور که مذهب امروز در اذهان مردم بی آبرو و منفور است، ملی گرایی و قومی گری نیز باید بی آبرو و افشاء شود. حزب سیاست ارتجاعی و قوم پرستانه ناسیونالیست عظیم طلب ایرانی که بجای پذیرش يك راه حل سیاسی متمدانه و مراجعه به آراء عمومی مردم در کردستان سیاست سرکوب را توصیه میکنند، قویا محکوم میکند.

۳- ستم ملی، تبعیض بر مبنای انتساب انسانها به ملیت ها و قومیت های مختلف یکی از اشکال کزیه و زشت نابرابری انسانها در جوامع سرمایه داری است. محو ستم ملی و تضمین برابری همه انسانها يك هدف اعلام شده حزب کمونیست کارگری است. يك پیش شرط تحقق این هدف منزوی کردن و طرد جریانات ناسیونالیست قوم پرست و ناسیونالیست عظیم طلب ایرانی و برسمیت شناسی آزادی های سیاسی و حقوقی و برابری تمامی مردم مستقل از هویت های کاذب قومی و ملی و مذهب است. حزب اجازه نخواهد داد جریانات قوم

بورژوازی جهانی هر چه بیشتر از سکولاریسم و جدایی مذهب و ملیت و قومیت از دولت دست شسته و میکوشد فضا و فرجه ای برای جریانات مذهبی و قوم پرست ایجاد کند. در شرایط حاضر مطرح شدن شعار فدرالیسم از جانب برخی از محافل استراتژیست آمریکا در عین اعمال فشار دیپلماتیک بر جمهوری اسلامی، تلاشی برای قرار دادن يك آلترناتیو حکومتی نظم نوینی در برابر جامعه است.

۳- با تشدید تبلیغ پیرامون خواست فدرالیسم، مناسبات میان نیروهای مختلف ناسیونالیسم بر هم خورده و تغییرات تازه ای در اردوگاه ناسیونالیسم در ایران صورت گرفته است. يك رکن این تغییرات صف آرایی ناسیونالیست های قومی و ناسیونالیست های عظیم طلب در مقابل هم و دعوا بر سر "تمامیت ارضی" است. جریانات ناسیونالیسم عظیم طلب بدون داشتن پاسخی به ستم ملی و مساله کرد، با تقدیس "تمامیت ارضی" و "تجزیه طلب" نامیدن جریانات قوم پرست، از هم اکنون نشان میدهند که از هیچ جنگ افروزی و سرکوبی حتی در همدستی با رژیم اسلامی، فروگذار نخواهند کرد. در طرف دیگر جریانات قوم پرست در مقابل سیاست های استبدادی و عظمت طلبانه ناسیونالیسم ایرانی برای مردمی که خود را نماینده آنها قلمداد میکنند پیشینه تاریخی و ملی میسازند و به کینه و نفرت قومی میان بخش های مختلف جامعه دامن میزنند. تشدید و گسترش این تخاصمات میتواند منجر به يك کشمکش خونین در جامعه شود.

با توجه به نکات فوق حزب کمونیست کارگری ایران با تاکید بر سیاست اصولی خود در محکومیت شعار فدرالیسم اعلام میدارد:

۱- در شرایط جهانی امروز فدرالیسم شعار و مطالبه ای عمیقا ارتجاعی و ضد مردمی است. برخلاف ادعاهای نیروهای ناسیونالیست و استراتژیست های نظم نوین جهانی، فدرالیسم نه تنها نسخه ای برای دموکراتیزه کردن ساختار حکومتی و راهی برای حل مساله ملی و رفع تبعیض و نابرابری و ستم بر مبنای انتساب مردم به ملیت های مختلف نیست، بلکه

بردن ها و بجان هم افتادن دارو دسته های حکومتی جنبش انقلابی مردم برای رهایی از جهنم جمهوری اسلامی است. این جنبش در سال های اخیر بیش از پیش رادیکالیزه شده و به چپ چرخیده است و بخصوص در میان جوانان و در جنبش دانشجویی نفوذ و قدرت گیری چپ کاملا قابل مشاهده است. شعار "آزادی برابری" و "نان و آزادی برای همه" به نماد و خصلت نمای جنبش دانشجویی و ۱۶ آذرهای سال های اخیر تبدیل شده است. سال های گذشته این شعارها بر پارچه نویسی های بزرگ و سرخ رنگ در روز دانشجو به اهتزاز در میا آمد. (حتی امسال نیز علیرغم همه فشارها و محدودیتها پلاکارد "نان آزادی برای همه" در عکسهای تجمع مقابل دانشگاه بچشم میخورد). حضور چپ در دانشگاه و جامعه چنان برجسته است که در ۱۶ آذر سال قبل خاتمی خود را ناگزیر دید در مورد خطر سازمانها و احزاب کمونیست به دانشجویان هشدار دهد و البته هو بشود! و روشن است که جنبش دانشجویی گرایشات سیاسی در کل جامعه را منعکس میکند. از نمود های دیگر این گرایش کل جامعه به شعارها و سیاست های چپ میتوان به پخش سرود انترناسیونال در گردهمانی های کارگری در اول ماه مه و در مراسم بزرگداشت یاد قربانیان جنایات حکومت اسلامی در مراسم گورستان خاوران اشاره کرد. و یا بزرگداشت روز جهانی کودک با شعار کودکان مقدمند، و یا طرح خواست لغو حجاب اسلامی و آپارتاید جنسی در حرکت های اعتراضی زنان، و یا حمایت رو به گسترش جنبش کارگری از خواست حد اقل دستمزد ۴۵۰ هزار تومان، و یا طرح شعارها و خواست های چپ و رادیکال در شورش های شهری علیه فقر و بی حقوقی در کردستان و خوزستان و در ده ها تظاهرات و اعتراضات توده ای دیگر با بخاطر آورد.

در مقابل چنین جنبشی توسل به سیاست های حزب الهی تنها میتواند نفت بر آتش خشم و تنفر مردم بپاشد. تنها میتواند توده مردم متنفر از حکومت مذهبی و حزب الله و ولی فقیه و قوانین اسلامی را بیشتر در برابر خود بسیج کند و بمیدان بکشانند. جنبش دانشجویی در صف مقدم این تعرض قرار گرفته است. حمله اوپاش حزب الله به

صفحه ۴

اسلامی و هراس دولت قداره بند، و امروز باید گفت زبون و مسخره احمدی نژاد را به نمایش گذاشت. همه چیز حاکی از آنست که دور جدیدی از تعرض مردم و مشخصا جنبش دانشجویی در حال شکل گرفتن است. هفته قبل حرکت وسیعی در اعتراض به انتصاب عمید زنجانی به ریاست دانشگاه تهران در میان دانشجویان شکل گرفت و در اولین برخورد در مراسم معارفه رئیس جدید دانشجویان عمامه از سر او برگرفتند و در خروجی را نشانش دادند. و این آغاز تعرض جنبش دانشجویی به سیاست های حزب الهی احمدی نژاد در جهت اسلامیزه کردن هر چه بیشتر دانشگاهها و کلا جامعه است. سیاستی که شمره اش تا امروز جان باختن سه دختر دانشجو به دست اوپاش حزب الهی بوده است.

این سیاست های حزب الهی نه تنها قادر به مرعوب کردن و عقب راندن مردم نیست بلکه تنها میتواند بخش هر چه وسیعتری از جنبش دانشجویی، جنبش زنان و جنبش آزادیخواهان کل مردم را بسیج کند و بمیدان بیاورد. دوران ۳۰ خرداد ۶۰ و انقلاب فرهنگی و سرکوب و قلع و قمع چپ مدت هاست به سر رسیده است. اگر میتوانستند بزنند و بمانند از همان ابتدا دو خرداد بمیدان نمی آمد و اگر میتوانستند جلوی رشد نفوذ چپ را بگیرند دو خرداد ورشکست نمیشد! دو خرداد اصولا در مقابله با جنبش چپ و رادیکال سرنگونی طلبانه مردم روی کار آمد، نتوانست جلوی پیشروی چپ را بگیرد، کنار گذاشته شد و حالا از سر لاعلاجی به دن کیشوتی نظیر احمدی نژاد متوسل شده اند. این دولت حزب الهی در مقابل جنبش سرنگونی طلبانه مردم به مراتب ضعیف تر و مستاصل تر از دولتهای قبلی است. این دولت حتی در میان دارو دسته های حکومتی و هم جناحیهای خودش هم اعتبار و مشروعیتی ندارد. دولت احمدی نژاد در واقع مظهر ضعف حکومت و انعکاس قدرت جنبش سرنگونی در میان حکومتهای است و از همین رو همانطور که تجربه چند ماهه اخیر روشنی نشان داده، به جای "حل مساله" رژیم خود به جزئی از "صورت مساله" جمهوری اسلامی تبدیل شده است.

اما البته مساله اصلی حکومت و علت همه این رئیس جمهور آوردن و

از صفحه ۱ سخنرانی اصغر کریمی

ماجدی در جواب گفت یعنی میگویند سه نسل دیگر هم کارگر باید با بدبختی بسازد، ایشان در جواب گفت ما شعارهای توخالی نمیدهیم. داریوش همایون از مسئولین یک حزب سیاسی به اسم حزب مشروطه خواه است، برنامه و هدف حزبی را توضیح داده است و به اصطلاح سوتی نداده است. این حزب هم مثل هر حزب سیاسی امری و هدفی مقابل خود دارد و میخواهد تغییراتی در جامعه ایجاد کند. من اینجا میخواهم از فرصت استفاده کنم و در مورد تفاوت صورت مساله ای که در مقابل ما و سایر احزاب سیاسی قرار دارد صحبت کنم و مشخصا بگویم صورت مساله مقابل حزب کمونیست کارگری چیست؟

هیچ کس حزب سیاسی را برای تفنن درست نمیکند، امری دارد، به چیزی اعتراض دارد و میخواهد تغییری ایجاد کند. از گروه مولفه و انجمن حجتیه تا بهزاد نبوی و رفسنجانی، از یزدی و سحابی تا حزب توده، از رضا پهلوی و داریوش همایون تا حزب دمکرات و احزاب قوم پرست، همگی به چیزی اعتراض دارند. حتما میخواهند چیزی را تغییر بدهند. و مهمتر اینکه میخواهند چیزهایی هم تغییر نکنند و دست نخورده باقی بمانند.

اجازه بدهید کمی دورتر برویم و مرور گزارشی به انقلاب مشروطه به این طرف یعنی این صدسال که احزاب سیاسی در ایران شکل گرفته اند داشته باشیم. موقعی که به این دوره فکر میکنیم، احزاب و سازمانهای متعددی به یاد ما می افتند. احزابی که در تاریخ سیاست در ایران فعالیت داشته اند و یا الان هم فعالیت دارند. یکی حزب درست کرده است که با بهائی ها در بیفتند، یکی خواسته نفت ملی شود و با شاه کلنچار میرفته است، یکی سهم بیشتری در حکومت خواسته است، یکی استقلال خواسته است، یکی خواسته مملکت بیشتر صنعتی شود، یکی خواسته حکومت اسلامی را کمی ملایم تر بکند، یکی خواسته حکومت و جامعه را اسلامی تر کند، یکی خواسته در کردستان در قدرت شریک شود و سهم بیشتری خواسته و یکی میخواهد در آذربایجان شریک قدرت شود. ولی هیچکدام از این

احزاب ما را به یاد آزادی زن نمی اندازند، ما را به یاد سکولاریسم نمی اندازند. هیچکدام از اینها پرچم آزادیهای سیاسی و آزادی بیان و اعتصاب را به یاد کسی نمی اندازند و یا هیچکدام فی المثل نخواسته اند طب را رایگان کنند. به یک معنی هیچکدامشان در اذهان ما با حقوق هیچ بخشی از جامعه تداوی نمیشوند.

مصلح یکی از شخصیت های سیاسی صدسال گذشته ایران است که از راست ناسیونالیست تا چپ ناسیونالیست، او را یک شخصیت مهم و برجسته تاریخ معاصر ایران میدانند، او را قهرمان ملی میدانند، از افتخارات ایران و خودشان به حساب میاورند. نگاه که میکنی میبینی ایشان با مذهب ساخت، با آیت اله کاشانی ساخت، اعتراض کارگر را سرکوب کرد، نه آموزش و پرورش سکولار آورد، نه گفت رسالت من این است که زن مثل یک شهروند زندگی کند، نه گفت من پرچم آزادی های شناخته شده سیاسی را بلند میکنم و برایش میچنگم. حداکثر دعوی ایشان این بود که نفت بجای اینکه در دست فلان کمپانی انگلیسی یا آمریکایی باشد، در دست سرمایه داران ایرانی باشد. جمهوری اسلامی کاملاً این خواست ایشان و ناسیونالیست های ایرانی را حتی خیلی بیشتر از آنچه مصلح میخواست عملی کرد و همه کمپانی های نفت و غیرنفت را در دست سرمایه داران وطنی قرار داد. جمهوری اسلامی بطور واقعی استقلال خیلی بیشتری از آنچه همه ملیون و ناسیونالیست ها، از راست تا چپ، خواسته اند را عملی کرد. همه کمپانی ها و سرمایه ها را هم در دست سرمایه داران وطنی قرار داد و دیگر احداثی از توده های مردم که در سرمایه ای شریک نیست فکر نمیکند که استقلال و ملی کردن مشکلی از پیش پای مردم برداشته باشد.

مجاهد، یکی دیگر از پرسوناژهای صحنه سیاست در ایران در سه دهه اخیر است. یک سازمان مذهبی که هدفش ایجاد یک حکومت اسلامی دیگر است. این سازمان با جمهوری اسلامی ساخت، وقتی قبولش نکردند اپوزیسیون شد، بدترین و مضرت ترین تاکتیک های سیاسی و نظامی را اتخاذ کرد،

در عراق سیاستی بسیار مخرب و ضد مردمی را ادامه داد، بعد موجود خفیری در دست آمریکا شد و در سازمان خودش هم غیرانسانی ترین مناسبات را حاکم کرده است. حزب توده و اکثریت دو سازمان خوشنام!! دیگر که هنوز سرنگونی طلب هم نشده اند. در سیستم فکری اینها آخوند موجود مهمی به حساب میاید و تاریخشان پر است از دوستی با بدترین دشمنان مردم و دشمنی با کمونیست ها و مردم معترض. اینها البته نه الان جای خاصی در صحنه سیاست دارند و نه در آینده.

حزب دمکرات کردستان، یکی دیگر از احزاب سیاسی در چند دهه اخیر است. حزبی که در میان جریانات چپ خلقی بسیار محبوب و بطور باور نکردنی در میان این گروهها غیرقابل انتقاد است. تاریخ این حزب را که ورق بزیند پر است از کمونیست کشی، از آتش زدن چادرهای سازمان پیکار، از سرکوب دهقانان فقیر، از زورگویی و باجگیری، از قرآن خوانی در رادیو، از تحقیر زن، از سازش های دائمی و پشت پرده با جمهوری اسلامی، با یک دیپلماسی سری و بسیار عقب مانده و کوله باری از فریب خوردن و شکست خوردن در مقابل جمهوری اسلامی. این حزب از زمان قاضی محمد تاکون هیچوقت و هیچ کجا منشاء اثر مثبتی در زندگی توده های مردم، در زمینه رفاهی و اقتصادی و یا سیاسی و فرهنگی نبوده است.

یک جریان سیاسی دیگر، مهمترین جریان سیاسی در طیف اپوزیسیون دست راستی، سلطنت طلبان هستند، رضا پهلوی و داریوش همایون و امثالهم. اینها در بهترین حالت چیزی شبیه حکومت شاه میخواهند، یک امر آزادیخواهانه در پرورده آنها نیست. پرچم هیچ حقی را برای مردم بلند نکرده اند، نه جرات درافتادن با مذهب و اسلام سیاسی را دارند، و نه حتی دم از یک سکولاریسم بی تخفیف میزنند. الگوی اینها حکومتی است شبیه دوره ای که سر کار بودند، ساواک میزند و سرکوب میکند تا تضمین کند که به قول آقای همایون سی سال دیگر کارگر زیاد کار کند و کم دستمزد بگیرد، رابطه نزدیکی با دولت آمریکا و کلا غرب ایجاد میکنند، نیمچه سکولاریسمی را حاکم میکنند،

آخوند درباری و مذهب رسمی را نگه میدارد و ساواک و سرکوب و بیحقوقی جزو لاینفک سیستمش خواهد بود.

احزابی که اشاره کردم بازیگران صحنه سیاست در ایران بوده اند یا هستند که نه کسی را به یاد آزادیخواهی میاندازند، نه به یاد سکولاریسم، نه دفاع از کارگر. اینها در تمام طول حیات خود مهر خود را بر هیچکدام از مطالبات حق طلبانه مردم نکوبیده اند و در اذهان مردم هم با چنین حقوقی تداوی نمیشوند.

اما در دو سه دهه اخیر، بدنبال انقلاب ۵۷ پدیده جدیدی در جامعه ایران ظهور کرد. ایده ها و آرمانهای متفاوتی بروز کرد، شخصیت های متمایزی، سنتهای سیاسی، اخلاق سیاسی و سنت های مبارزاتی متفاوتی شکل گرفت که صحنه سیاست را در ایران عوض کرد. این پدیده جدید کمونیسم است. یک کمونیسم متفاوت از آنچه در اذهان مردم وجود داشت و شخصیتی بر تارک این جنبش، این سنت سیاسی و مبارزاتی همچنان میسرخشند، همچنان به او رجوع میشود و آثارش مطالعه میشود. منظورم منصور حکمت است که پدیده جدیدی در تاریخ سیاست در ایران به حساب میاید و حزب متفاوتی، سنتهای سیاسی متفاوتی، مطالبات متفاوتی، اخلاقیات سیاسی متفاوتی را بنیان گذاشت.

اگر در سنت مصلح و جبهه ملی و حزب توده سازش با مذهب و آخوند یک پرنسیپ و یک اصل هویتی است، در این پدیده جدید برعکس مبارزه با مذهب و مقابله با اسلام یک اصل و یک پرنسیپ است. اگر زن در این ایدئولوژی ها انسان به حساب نیاید و جانی در تفکر سیاسی و مبارزاتی آنها ندارد، در این پدیده جدید جای برجسته ای را اشغال میکند و برابری یک اصل اساسی و هویتی این ایدئولوژی و این حزب و این سیاست است. اگر این جریانات تماماً سابقه مماشات و ساخت و پاخت با جمهوری اسلامی دارند در این پدیده جدید حتی یک لحظه تردید و نوسان دیده نمیشود. اگر این احزاب همگی متعلق به طبقه حاکم هستند و در بهترین حالت کمی آزادی و کمی سکولاریسم میخواهند اما بدون استئنا حفظ استعمار و کار مزدی برای آنها یک هویت و یک اصل به حساب میاید. اما برای این پدیده

جدید، برای کمونیسم ما، برای حزب ما، از بین بردن استعمار و کار مزدی علت وجودی ما است. آنچه برای دیگران شعارهای توخالی! است برای ما هدف است.

ما اعتراضمان به کار مزدی است. به مالکیت خصوصی است. به گرو گرفتن کار و زندگی و مسکن و طب مردم توسط یک اقلیت مفتخور است. به این است که سی سال چهل سال کار می کنیم چیزی که از ما باقی نماند بدون هیچ تاملی و بدون هیچ حرمتی به خانه فرستاده میشود. نگاه که میکنی میبینی یک اقلیت مفتخور تمام عمرمان را پیش خرید کرده است، خیلی ارزان هم پیش خرید کرده است. ده دوازده سال درس میخوانیم، بعد کار را از ۱۷، ۱۸ سالگی تازه اگر خوش شانس باشیم شروع میکنیم، سی سال چهل سال در بدترین شرایط کار میکنیم، بدون بعدش هم بدون تاملی، بدون احترامی، به خانه میرویم. و آنوقت نوبت بچه هایمان میرسد که عین همین سیکل را تکرار کنند. تازه فقط سهم مان این نیست. اعتراض هم که میکنیم سرکوبان میکنند، میگوئیم حقوقمان کم است محیط کار غیربهداشتی و ناامن است، شدت کار خیلی بالا است، ساواک و ساواما و حراست و سردار فلانی و حجت الاسلام فلانی را سراغمان میفرستند. سهم ما این است که جان بکنیم و اعتراض هم نکنیم. تولید کنیم و به عده کمی سود برسانیم و دم هم نزنیم.

از همین الان هم، بخشی از اپوزیسیون، در واقع بخش قابل توجهی از اپوزیسیون، خواب سی سال استعمار دیگر را بر ایمن دیده است. فکر نمیکنم هیچ کارگری با زبان خوش و با هیچ استدلالی قانع شود که دو نسل دیگر کار زیاد بکند و مزد کم بگیرد. تنها با سرکوب غریبان است که میتوان این شرایط را تحمیل کرد. تنها با ساواک، با اختناق، با اعدام ها و دستگیری های هزاران نفر و دهها هزار نفر میتوان برای سی سال دیگر وضعیت فلاکتبار اقتصادی را حفظ کرد. آنچه آقای همایون در مصاحبه با کانال جدید مطرح کرده است در واقع پلاتفرم اقتصادی کل احزاب ناسیونالیست و ملی گراها و قوم پرستان است و از آقای همایون به

از صفحه ۳ سخنرانی اصغر کریمی

خاطر صراحتش باید تشکر کرد. این برای آنها اساس مساله است. گوشه ای از برنامه آنها نیست، جوهر پلاتفرمشان است. اگر حزب درست میکنند قبل از اینکه برای تغییر باشد برای حفظ این بنیادها است و بخاطر حفظ این بنیادها، سازش با مذهب و آخوند، نابرابری زن و مرد، کار بیمزد خانگی، انتظار پائین از زندگی، یک ضرورت است. کار خاموش و کارگر از ان پلاتفرم آنها است.

این اساس و بنیاد تفاوت ما با دیگران است. صورت مساله دیگران نابودی استثمار نیست، رفع نابرابری و فقر و بیحقوقی نیست، برعکس صورت مساله شان تماما این است که چطور این سیستم حفظ شود و با تغییراتی جزئی سر جایش بماند. موقعی که به سیاست فکر میکنند قبل از هر چیز مواظب همین مساله هستند. دشمنی آنها با کمونیسم، دشمنی آنها با حزب کمونیست کارگری و منصور حکمت و غیره، سکوت ازلی و ابدی آنها درقبال اعتراض کارگر، لال بودن اینها در مورد مطالبات روزمره کارگران مثل حق اعتصاب و تشکل و غیره همه به خاطر این است که کارگر جایی در صحنه پیدا نکند، روی کارگر زیاد نشود و فردا انتظار زیادی از زندگی نداشته باشد و رفاه نخواهد.

ما کمونیست های کارگری هیچ منفعتی در هیچ گوشه ای از این سیستم و نظام برای مردم سراغ نداریم، هیچ منفعتی در اقتصادش برای مردم نمیبینیم، در سیاستش نمیبینیم، در فرهنگ حاکمش، در نیروی سرکوب و بوروکراسی اش و در رادیو و تلویزیونش هم همینطور. به همین خاطر می خواهیم زیر و رو شود. به همین خاطر در از بین بردن مذهب و خرافه بیشتر از هر کس دیگری اصرار داریم و کوتاه نمیائیم. به همین خاطر در برابری زن و مرد بیشتر از هر جریان دیگری اصرار داریم و برایش مبارزه میکنیم. به همین خاطر طرفدار هر چه بیشتر بودن آزادی سیاسی هستیم که مردم راحت تر و بدون ترس و لرز بیابند میدان تا همه چیز را تغییر بدهیم. و درست به همین خاطر به ما میگویند خشونت طلب. درست به همین دلیل با ما دشمنی میکنند، با کمونیسم دشمنی میکنند. به این خاطر است

که حتی دوست ندارند اسم حزب کمونیست کارگری جانی برده شود. میگویند کمونیستها میخواهند حکومت تک حزبی بیاورند سر کار که سرکوب کنند. تا میتوانند ما را سانسور میکنند. و فکر نکنید فقط راست جامعه با ما مشکل دارد. جریانات چپ خلقی هم کم مشکل ندارند. اینها نهایتا به خانواده ملی اسلامی تعلق دارند و به ناسیونالیسم و مصدق و حزب دمکرات نزدیک ترند تا به کمونیسم و کارگر. این جریانات اگر در کردستان حزب دمکرات را افشا میکردی میگفتند، افشاکاری از حزب دمکرات تندروی و چپ روی است. میگفتند با بورژوازی ملی نباید برخورد افشاگرانه کرد چون از صفوف خلق است. از زمانی که اولین بار اتحاد مبارزان کمونیست در سال ۵۸ گفت آزادی بی قید و شرط سیاسی اینها مخالفت کردند، با جدائی مذهب از دولت مخالفت کردند، گفتیم باید برنامه داشت مخالفت کردند، گفتند فقط حزب است که میتواند برنامه داشته باشد، شما حزب نیستید. حزب تشکیل دادیم گفتند با کارگر پیوند ندارید نمیتوانید حزب درست کنید. و بعد که به همه این مخالفت خوانی ها جواب داده شد با ریختن دیوار برلین گفتند اصلا کمونیسم در بحران است و فعلا باید برویم فکری به حال این بحران بکنیم. و واقعا این دیوار به سنت آنها تعلق داشت و موقعی که ریخت کمونیسم آنها هم دچار بحران شد و اکثرشان تازه متوجه شدند که امر اینها کمونیسم نبوده است، چیز دیگری بوده است. آرمان دیگری میخواستند اند که در قالب کمونیسم بیان میکردند و به همین دلیل نواندیش شدند و شروع به لعن و نفرین گذشته خود کردند. این متاسفانه تاریخ بخش اعظم این چپ است. از هر صد نفر، نود و نه نفرشان این تاریخ را پشت سر دارند. ولی اتفاق مهمی که افتاده است این است که کمونیستها را مردم شروع کرده اند به شناختن. آرمانخواهی شان را دیده اند، آزادیخواهی شان را دیده اند. دارند تفاوت های آنها را با بقیه میبینند. دارند احساس مسئولیت آنها را در قبال زندگی شان، در قبال آینده شان، در قبال تحولات کم دردت تر برای جامعه میبینند. شعارهای مردم در

تظاهرات و اعتصابات را نگاه کنید. سطح توقع کارگران را علیرغم همه این بیحقوقی ها و محرومیت ها نگاه کنید که همچنان بالا است. جنبش دانشجویی و شعارهای آنرا نگاه کنید که کم تر از آزادی و برابری رضایت نمیدهد. اگر پنجاه زن جمع میشوند شعارهایشان را نگاه کنید. بخاطر ایدز جمع میشوند، شعارها و مطالباتشان را نگاه کنید. اول مه که جمع میشوند و یا روز جهانی کودک و جشن آدم برفی هم همینطور. به کمتر از آزادی و برابری رضایت نمیدهند، میخواهند مثل انسان زندگی کنند.

علاقه مردم روز به روز به حزب کمونیست کارگری و کمونیسم بیشتر میشود و مطالبات آزادیخواهانه و برابری طلبانه جای بیشتری در اعتراضات مردم پیدا میکند. به ۲۵، ۲۶ سال کار پیگیر کمونیستی، به ۲۵، ۲۶ سال کار کمونیسم رادیکال و انساندوست و شدت آزادیخواه، به ۲۵، ۲۶ سال مبارزه پیگیر و سازش ناپذیر با جمهوری اسلامی و به کمک رسانه های متفاوتی که هر روز این افکار و این آرمانها را به خانه مردم میبرد، دیگر کسی نمیگوید کمونیسم مرد. دیگر نمیگویند کمونیسم یعنی استالین. نمیگویند کمونیسم یعنی اشتراکی کردن زن. برعکس آزادی زن را در کمونیسم می بینند، در چهره های کمونیست می بینند. آزادیهای سیاسی را در کمونیسم و چهره های کمونیست می بینند.

بدترین چیز این است که جامعه مستاصل شود و روحیه عمومی اش را از دست بدهد و تسلیم شود. ولی جامعه ایران تسلیم نشده است. بشاش است. فضای مبارزاتی حاکم است و روند بسیار پویایی دارد. بدترین چیز این است که سطح توقع مردم پائین بیاید و به تب در مقابل مرگی که جلو آنها گذاشته اند راضی شوند اما جامعه سطح توقعش بالا رفته است. شرایط جامعه ایران بسیار پویا است. تحرك بسیار بالا است. کارگر و دانشجو، زن و جوان، اقشار مختلف مردم در تقلا و تلاشند. حزب کمونیست کارگری افتخار میکند که در این روحیه مبارزاتی، در آمیدی که در بطن جامعه ایران وجود دارد، در سطح توقع مردم از یک زندگی خوب شریک است و سهم داشته است. اگر آمیدی هست بخاطر آن حزب سیاسی که وعده سی سال

دیگر بدبختی، کار بیشتر و دستمزد کمتر میدهد نیست، بخاطر گروهی که وعده یک حکومت اسلامی دیگر میدهد نیست، بخاطر اینکه یکی سهم بیشتری در قدرت میخواهد و فدرالیسم و خودمختاری را هوا میکند نیست.

این حزب عزیز است نه فقط بخاطر این گذشته و سهمی که تا اینجا ایفا کرده است، نه فقط بخاطر این که تا همینجا و بعنوان یک حزب اپوزیسیون منشاء تغییرات مهمی در زندگی بخش هایی از مردم بوده است. این حزب را باید عزیز داشت و هر چه بیشتر تقویت کرد به این خاطر که برای انقلابی که در راه است لازم است. سال ۵۷ چشم همه ما را بیدار کرده است. سال ۵۷ مبارزه بود، فداکاری بود، حتی کارگر در صحنه بود، کارگر نفت در صحنه بود، اما کمونیسم در صحنه نبود، حزب سیاسی طبقه کارگر حضور نداشت و دیدیم چه بلای بی سر جامعه آمد و سرنوشت دو نسل مردم به کجا کشید. حزبی مثل حزب کمونیست کارگری نبود که راحت بروی عضو شوی. اینبار این حزب هست. اینبار حزب حاضر و آماده در صحنه است، حزبی که برنامه روشنی دارد، کسانی در این حزب هستند که بیش از بیست سال است در جنگند، از موانع بسیاری گذشته اند، جواب چپهای ملی را داده اند، جواب حزب نمیخواهیم و برنامه نمیخواهیم و آزادی بی قیط و شرط لیبرالی است را داده اند، جواب راست را داده اند،

از صفحه ۲ ستون اول

دختران دانشجو و تلاش حکومت برای اسلامیزه کردن بیشتر دانشگاهها عرصه و جبهه جدیدی در برابر جنبش دانشجویی گشوده است: جبهه مبارزه برای اسلامزدائی از مدرسه و دانشگاه! جبهه خاتمه بخشیدن به آپارتاید جنسی در دانشگاهها و محیطهای آموزشی! جبهه جدائی مذهب از آموزش و پرورش! دانشگاه جای علم است و نه خرافات مذهبی. دوره اسلام "اصلاح طلب" نوع سروش - که خود البته از سردمداران "انقلاب فرهنگی" و سرکوب چپ در دانشگاهها بود - دوره برو بیای "دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه" به آخر رسیده و دوره "جدائی حوزه و دانشگاه"، دوره جدائی مذهب از کل سیستم آموزشی فرا رسیده است.

از یک جنگ طولانی با حزب دمکرات بیرون آمده اند، با ناسیونالیسم جنگیده اند، با مذهب و اسلام سیاسی جنگیده اند، با سرمایه داری جنگیده اند. کسانی که میدانند چه منشوری احتیاج دارند و چه احتیاج ندارند، میدانند کجا سازش کنند و کجا نکنند، بزنگاههای تاریخی را میشناسند و خودشان را برای چنین مواقعی آماده کرده اند. این حزب حاضر و آماده است و دری به تخته بخورد دفاتر خودش را در هر کوی و برزنی دایر میکند. سال ۵۷ این حزب نبود که کمونیستها، که کارگران سوسیالیست، که مردمی که نه شاه میخواهند نه خمینی و حکومت اسلامی به آن پیبوندند و عضو ش شوند، اما شما نسل جدید این شانس را دارید که راحت برگ عضویتش را پر کنید و مبارزه خودتان را به آن گره بزنید.

این حزب دریچه امید به روی تغییرات زیر و رو کننده در ایران است. امید جوار کردن اسلام سیاسی از ایران و منطقه است. امید عروج انسانیت و برابری طلبی و عروج مجدد کمونیسم در ایران و در سطح جهان است.

زنده باد منصور حکمت، زنده باد حزب کمونیست کارگری
یکبار دیگر از شما عزیزان بخاطر حضورتان در این مراسم تشکر میکنم. *

پیاوه شده سخنرانی در مراسم چهاردهمین سالگرد تشکیل حزب کمونیست کارگری در لندن

جنبش دانشجویی هم اکنون با اعتراض وسیع به گماردن یک آخوند به ریاست دانشگاه آغاز اسلامزدائی از دانشگاهها را اعلام کرده است. این حرکت تعرضی باید با پرچم جدائی مذهب از سیستم آموزشی کشور تعمیق و گسترش پیدا کند. ناگفته پیداست که نوك پیکان این تعرض احمدی نژاد و دولت حزب الهی حاکم را نشانه میگیرد. امروز جنبش دانشجویی کاملا از این موقعیت برخوردار است که با بلند کردن پرچم اسلامزدائی از سیستم آموزشی در مبارزه عمومی مردم علیه دولت احمدی نژاد و در جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی نقشی پیشتاز و تعیین کننده ایفا کند. *

یک کشور آزاد غیر مذهبی، غیر قومی، غیر ملی، با یک قانون واحد برای همه!

(بخش پنجم و پایانی)

ستم ملی، مساله ملی، راه حل کمونیسم کارگری

علی جوادی



جریانی است که قادر است بزرگترین جدالها و جنگها را بر سر فرعی ترین شکافهای ملی سازمان دهد. اما حق جدایی حقی کاملاً منفی است. در اکثر موارد قابل توصیه نیست. برسمیت شناسی حق جدایی مترادف توصیه به جدایی نیست. از نقطه نظر ما جدایی تنها در مواردی قابل توصیه است که چنین مسیری، یعنی جدایی، منجر به برخورداری کارگران و توده مردم زحمتکش از حقوق مدنی پیشروتر و موقعیت اجتماعی برابرتر و رفاه بیشتر اقتصادی شوند. ما علی الاصول خواهان سازمانیابی مردم در چهارچوبهای بزرگتر کشوری بمشابه شهروندان آزاد و متساوی الحقوق هستیم. ایران از نظر ما میتواند کشوری کوچکتر و یا بزرگتر باشد. فاکتور تعیین کننده در این تغییر و تحولات اعمال اراده آزاد خود مردم ساکن این سرزمینها است.

در ایران تنها مساله کرد داری چنین خصوصیتی است. علاوه بر پیشینه سرکوب و ستم بر مردم منتسب به کرد، چه در دوران سلطنت و چه در دوران رژیم اسلامی، وجود اعتراض اجتماعی و تحرك جریانات ناسیونالیستی که قادر شده اند ستم و تبعیض بر مردم کرد را به سکوی پرش خود بمنظور سهم خواهی از قدرت سیاسی تبدیل کنند، عملاً ستم بر مردم کرد را به مساله ای باز و مفتوح تبدیل کرده است که از نقطه نظر توده های مردم در کردستان و از نقطه نظر حیات سیاسی جامعه نیازمند پاسخی اصولی است. پاسخ اصولی ما برگزاری فرمانروم در مناطق کرد نشین و تنها کرد نشین و نه سراسر ایران دموور حل مساله کرد است. (برخی از جریانات ناسیونالیست عظمت طلب ایرانی از قرار فورمول جدیدی در ضديت با خواست فرماندم در زمینه حل مساله کرد کشف کرده اند. "عقلای" این جریانات در مقابل ما استدلال میکنند که فرماندم در باره مساله کرد باید در سراسر ایران و نه فقط در مناطق کرد نشین صورت گیرد؟! این هم استدلال دیگری است دال بر اینکه هنر واقعا نزد ایرانیان و صد البته و در درجه اول نزد جریانات ناسیونالیستی است و بس! اما این استدلال ققط يك حربه تبلیغاتی است. این جریانات خود يك پای هر جنگ داخلی هستند. ستم گری ملی و چکه به پا

صفحه ۶

از میان بردن سرمایه داری و استثمار و تقسیم جامعه به طبقات سرمایه دار و کارگر است. اما در شرایطی که تبعیضات ناسیونالیستی و تاریخ ستم ملی در جامعه زندگی و همزیستی مسالمت آمیز میان مردم منتسب به ملیتهای مختلف را عملاً مشقت بار و سخت و یا عملاً ناممکن کرده باشد، در شرایطی که خصومت و کشمکش ملی در جامعه به درجه ای از غلظت و حدت رسیده باشد که حساسیت وسیعی در میان بخشهای وسیعی از جامعه بوجود آمده باشد، راه حل ما در این شرایط يك روش جراحی - درمانی است. حزب در چنین شرایطی حق جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل از طریق يك پروژه انتخاب آزاد برای مردم علی الاصول برسمیت میشناسد. برسمیت شناسی حق جدایی اهرمی برای پاسخگویی به "مساله ملی" است که در جامعه ایجاد شده است. در عین حال تسلیم شدن به واقعیت تلخی است که در جامعه بر خلاف اراده و ایده آلهای انترناسیونالیستی و اصل اصالت انسانی ما شکل گرفته و پرداخته شده است.

"مساله ملی" محصول عملکرد ناسیونالیسم است، چه ناسیونالیسم "ملت بالا دست"، چه ناسیونالیسم "ملت فرودست". نقش ناسیونالیسم در پیدایش مساله ملی کشاندن نابرابریها و تبعیض و کشمکش در عرصه فرهنگی و اقتصادی به عرصه سیاسی و مساله قدرت سیاسی و دولت در جامعه است. "مساله ملی" زمانی در صحنه سیاسی پدیدار میشود که جنبشهای ناسیونالیستی توانسته باشند، تبعیض و یا تفاوتهای قومی و نابرابریهای اقتصادی و اجتماعی بر حسب ملیت را به مساله قدرت سیاسی و حاکمیت ربط داده باشند.

در چنین شرایطی جدال بر سر سهم بری ناسیونالیستها از ثروت اجتماعی جامعه تحت پرچم جدال بر سر قدرت دولتی به پیش برده میشود. ناسیونالیسم به مساله نابرابریها تبلوری سیاسی میدهد.

یادگیری زبان یا زبانهای رسمی و آموزشی اصلی کشور را به کودکانی که به زبانی دیگر تکلم میکنند، قبل از ورود به دوره آموزش اجباری، فراهم کند.

از طرف دیگر واقعیت جهان امروز این است که زبان انگلیسی زبان علمی جهان معاصر و اینترنت است. از این رو به منظور پایان دادن به عقب ماندگی جامعه از پیشرفتهای علمی و فرهنگی و جهان امروز، دولت باید موظف شود زبان انگلیسی را با هدف تبدیل گام به گام به زبان و یا بخش اصلی زبان آموزشی و اداری متداول در کشور، از سنین پایین در مدارس و در سیستم آموزشی تعلیم دهد و پروژه ای تدریجی به سیستمی مبتنی بر زبان انگلیسی و یکی از زبانهای رایج کشور منتقل شود. نمونه های موفق چنین سیستمی در سطح جهان بسیاریند. از هندوستان گرفته تا آمریکا و کانادا و سوئیس و بلژیک، بسیاری از کشورها دو زبان اداری و بعضاً دو زبان آموزشی هستند. تبدیل زبان انگلیسی به يك زبان رایج در جامعه علاوه بر تسهیل برخورداری شهروندان جامعه از دستاوردهای عملی و هنری و اجتماعی جهانی، این امکان را فراهم میکند که زبان رایج در جامعه را از حوزه اعمال "برتری ملی" و یا "زقابتها ملی" خارج کرده و صرفاً جنبه نیاز به مرادده اجتماعی انسانها در جامعه را تأمین می نماید.

ستم ملی، مساله ملی

پاسخ انسانی و کمونیستی به وجود ستم ملی در جامعه، تلاش و مبارزه برای ریشه کن کردن ستم ملی و ایجاد نظامی است که همگان بمشابه شهروندان آزاد و متساوی الحقوق تحت قوانین واحد و یکسانی قرار داشته باشند. پاسخ نهایی ما برای پایان دادن همیشگی به این شکافهای موجود در جامعه طبقاتی

برسمیت شناخته و ثبت کند. نظام دولتی باید فاقد هرگونه عنصر هویتی ملی، قومی و یا مذهبی باشد.

ستم ملی: مساله زبان

یکی دیگر از اجزاء و مولفه های رفع ستم ملی در جامعه مساله زبان است. ایران کشوری چند زبانی است. به اعتباری مردم را میتوان به ۵ گروه زبانی تقسیم کرد. زبان اجباری در جامعه، چه در دوران سلطنت پهلوی و چه در زمان رژیم اسلامی، یکی از عرصه های ستم و محرومیت بر مردمی است که به زبانی غیر از زبان رسمی (اجباری) کشور تکلم میکنند. نمونه های محرومیت و اذیت و آزار دولتی در این زمینه بسیار است. از مجازات و اذیت و آزار و تحقیر کودکانی که قادر به تکلم به زبان رسمی اجباری در مدارس نبوده تا افرادی که بخاطر تکلم به زبان دیگری در بهره مندی از خدمات و سرویس های موجود در جامعه دچار انواع مشکل و محدودیت میشوند، نمونه ها بسیارند.

يك گام جدی در رفع این معضل و ستم تاریخی ممنوعیت زبان رسمی اجباری است. احدی نباید بخاطر چشم باز کردن در جامعه ای که به زبان دیگری به غیر از زبان رسمی جامعه تکلم میکنند، مورد اذیت و آزار و یا از دریافت و بهره مندی خدمات اجتماعی محروم و یا دچار مشکلی گردد. چگونه؟ جامعه و دولت باید بتواند در يك پروژه کاملاً دمکراتیک و آزاد يك زبان از میان زبانهای رایج در کشور را به عنوان زبان اداری و آموزشی اصلی تعیین نماید. مشروط بر اینکه امکانات و تسهیلات لازم برای برخورداری افرادی که به زبانهای دیگری تکلم میکنند در کلیه شئون اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و اداری جامعه فراهم شود. از طرف دیگر دولت باید موظف شود امکانات ویژه ای بمنظور آموزش و

ستم ملی: رؤس يك راه حل انسانی

هر گونه ستم و تبعیض ملی باید برچیده شود. تبعیض بر مبنای انتساب انسانها به ملیتهای مختلف یکی از اشکال کریه و ضد انسانی نابرابری در جامعه طبقاتی سرمایه داری حاضر است. نابودی ستم و تبعیض بر مبنای ملیت و تضمین برابری همه جانبه تمامی شهروندان مستقل از هرگونه تعلق ملی و قومی يك هدف پایه ای کمونیسم کارگری است. سیاست حزب کمونیست کارگری در قبال مساله ستم ملی در يك دنیای بهتر، برنامه حزب کمونیست کارگری، روشن و دقیق بیان شده است:

"حزب کمونیست کارگری برای رفع کامل هر نوع ستم ملی و هر نوع تبعیض بر حسب ملیت در قوانین کشور و عملکردهای دولت مبارزه میکند. حزب کمونیست کارگری هویت ملی، عرق ملی و ناسیونالیسم را افکار و تمایلاتی بسیار عقب مانده، مخرب و مغایر با اصالت انسان و آزادی و برابری انسانها میدانند و با هر نوع تقسیم بندی ملی ساکنین کشور و هر نوع تعریف هویت ملی برای مردم قاطعانه مخالف است. حزب کمونیست کارگری خواهان برقرار نظامی است که در آن کلیه ساکنین کشور مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، اعضای متساوی الحقوق جامعه باشند و هیچ نوع تبعیضی چه مثبت و چه منفی در قبال مردم منتسب به ملیت های خاص معمول داشته نشود."

از نقطه نظر ما نظام سیاسی و اداری جامعه باید تضمین کننده حقوق و امکانات برابر کلیه شهروندان بدون کوچکترین تبعیضی در جامعه باشد. اسناد رسمی کشور و اوراق هویتی دولت باید شهروندان جامعه را بدون از هرگونه تقسیم بندی ملی و قومی و مذهبی بمشابه اعضا و شهروندان متساوی الحقوق جامعه در فعل و انفعالات جامعه

از صفحه ۵ یک کشور آزاد غیر مذهبی ...

کردن يك ركن پایه ای سیاست ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی است. اخیراً داریوش همایون تنوریسین "لیبرال" صف مشروطه خواهان تهدید کرده است که در صورت پاگرفتن خواست جدایی و پروبال گرفتن جنبشهای استقلال طلبانه در ایران این جریانها در کنار جمهوری اسلامی در مقابله با این وضعیت خواهند ایستاد. جریانها فاشیست و آریایی پرست سلطنت طلب که کارنامه شان لازم به بررسی نیست، خود يك پای سوق دادن جامعه به يك کشمکش قومی و ملی هستند.) "از نظر ما موضوع رفراندم جدایی و یا عدم جدایی است و نه خود مختاری، فدرالیسم قومی و نظایر آنها. پرسشی که مردم کردستان در چنین رفراندمی با آن پاسخ میدهند، عبارت است از "جدایی از ایران و تشکیل دولت مستقل، یا ماندن در چهارچوب ایران با تضمین برابری کامل در کلیه حقوق و آزادیها بعنوان شهروندان آزاد و متساوی الحقوق کشور" (از قطعنامه دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران: در باره حل مساله کرد در کردستان ایران، آذر ۱۳۷۳) در عین حال توصیه اصولی حزب کمونیست کارگری در پاسخ به سؤال رفراندم، با توجه به وضعیت توده های مردم در مناطق کرد نشین و مجموعه ای از فاکتورهای اقتصادی و سیاسی در منطقه، ماندن در چهارچوب ایران با تضمین حق برابری شهروندی و رفع هر گونه ستم و تبعیض است.

اشکال دیگر ستم ملی

ستم بر مردم ترك زبان، عرب زبان و یا منتسب به بلوچ گونه دیگری از ستم تاریخی ناسیونالیسم ایرانی در جامعه است. راه حل کمونیستی در قبال این اشکال ستم و نابرابری راه حل اصولی و انسانی است. ما برای يك جامعه به دور از هرگونه تبعیض و با حقوق و امکانات برابر برای همه شهروندان مبارزه میکنیم و لزومی به توسل به رفراندم و جراحی اجتماعی نیست. اما مساله این است که وجود درجه ای از ستم و تبعیض و نابرابری

به واقعیت جامعه ایران و تصور و ذهنیت مردم در ایران ندارد. تبلیغاتی سیاسی است. تلاشی برای الصاق هویت قومی و ملی به انسانهای ساکن يك جامعه و، خلق خود آگاهی وارونه ملی و قومی است. واقعی نیست. هیچ نشانی از تخصصات و کشمکشهای قومی لاعلاج و غیر قابل درمان در جامعه و در میان مردم مشاهده نمیشود. واقعیت این است که جامعه ایران جامعه ای متشکل از "ملل گوناگون" نیست. مردم در ایران به زبانهای گوناگون صحبت و تکلم میکنند. اما ملت و یا ملیت هر دو مقولاتی ساخته و پرداخته جریانها ناسیونالیست است. اگرچه ملت و هویت ملی و قومی يك پدیده سیاسی و دست ساز است. اگرچه قوم پرستی و کشمکش قومی يك بیماری سیاسی جدی و قابل مشاهده در ایران نیست. اما مساله این است که این بیماری نه ریشه کن شده و نه جامعه و مردم در برابر آن واکنیسه شده اند. و از این رو باید بطور همه جانبه ای افشا و نقد شود.

در خاتمه

ما تقسیم بندی انسانها به ملت و یا ملیتهای مختلف را به رسمیت نمی شناسیم. ما انسانیم. ترك و کرد و بلوچ و عرب نیستیم. هویت انسانی ما قابل تقلیل و یا تبدیل به هویت قومی و ملی نیست. خود آگاه کردن توده های وسیع جامعه به این اصل پایه ای، در عین حال بخشی از تلاش ما در حاشیه ای کردن و پیروزی بر جریانها ناسیونالیستی است. مبارزه پیگیر و قاطع با ستم و تبعیض ملی بخشی از مبارزه ما برای آزادی و برابری و رفاه و نظام متضمن چنین شرایطی، يك جمهوری سوسیالیستی، است. ما تمامی انسانهای شریف و آزادیخواه را به يك مبارزه سراسری برای ایجاد يك جامعه برابر و به دور از هرگونه تبعیض و افشا و طرد جریانها ناسیونالیستی دعوت میکنیم. جمهوری سوسیالیستی نمونه ای است از يك کشور آزاد غیر قومی، غیر ملی، غیر مذهبی، با قانون واحد برای همه! *

اعلام تعطیل شهر تهران و حکومت نظامی در اطراف دانشگاه ترس رژیم را از آمادگی مردم برای اعتراض در ۱۶ آذر عیان کرد

گذاشته است. نه رژیم هرروز قادر است حکومت نظامی راه بیندازد و نه مردم میتوانند این وضعیت مشقت بار را تحمل کنند. تحرکی که از اول سال تحصیلی امسال در محیط های دانشجویی شروع شده است و گسترش فضای اعتراض در مقابل فشارهای رژیم برای اسلامی کردن دانشگاهها و تشدید خفقان و فضای بگیر و ببند در دانشگاهها، زمینه اعتراضات گسترده دانشجویی در روزها و هفته های آتی را فراهم کرده است. این اعتراضات زبانه میکشد و دانشگاههای سراسر کشور را در بر خواهد گرفت. این بخشی از فضای ملتهب سیاسی و اعتراضی در جامعه است که طبقه کارگر و اقشار مختلف مردم محروم و زحمتکش را به رویارویی فزاینده با رژیم اسلامی میکشاند.

۱۶ آذر امسال شهر تهران، شاهد تظاهرات وسیع مردم نبود اما نیرو و قدرت مردم به نمایش گذاشت. تمهیدات همه جانبه رژیم فقط بیانگر زنده بودن جنبش رو به رشد سرنگونی و آزادیخواهانه مردم بود.

مرگ بر جمهوری اسلامی
آزادی، برابری، حکومت کارگری
زنده باد جمهوری سوسیالیستی
حزب کمونیست کارگری ایران

۱۷ آذر ۱۳۸۴، ۸ دسامبر ۲۰۰۵

۱۶ آذر رژیم را از به میدان آمدن دانشجویان و مردم معترض نشان داد. اعتراضات گسترده ای که در دانشگاههای سراسر کشور از مقطع باز شدن دانشگاهها شروع شده بود و تحرك و فضای اعتراضی در همه دانشگاهها در روزهای قبل از ۱۶ آذر، به رژیم حالی کرد که صرف به میدان آوردن نیروهای انتظامی و حکومت نظامی در اطراف دانشگاه کافی نیست. هوای کثیف تهران بهانه ای برای تعطیل تهران در روز ۱۶ آذر شد. تصمیم گرفتند شهر را تعطیل کنند و این روز را به آرامی پشت سر گذارند.

با اینهمه صدها نفر در مقابل دانشگاه تهران دست به تجمع زدند و علیرغم تهدیدات نیروهای سرکوب ساعتها به حضور خود ادامه دادند. تعداد بیشتری نیز در پیاده روها و خیابانهای اطراف، علیرغم مسدود بودن این خیابانها و جلوگیری از عبور و مرور خودروهای شخصی حضور به هم رساندند تا در صورت امکان در تظاهرات شرکت کنند. اما به دلیل حضور گسترده نیروهای سرکوب و مستقر کردن دهها اتوبوس در اطراف دانشگاه، موفق به برگزاری يك تجمع قدرتمند نشدند و بدون اینکه شعاری بدهند، پس از چند ساعت پراکنده شدند.

اما نه اعتراض دانشجویان و مردم ذره ای تخفیف پیدا کرده است و نه حتی ۱۶ آذر را رژیم پشت سر

کمک های مالی رسیده به حزب

کیومرث سنجری	۷۵ دلار
جمشید هادیان	۱۰۰ دلار
سیاوش (دوستدار حزب)	۱۰۰ دلار
دوستداران حزب (از طریق جمشید هادیان)	۱۰۰ دلار
کمک مالی جمع آوری شده در سالگرد حزب	۳۵۶ دلار

آلمان:

علی نجاری

۱۵۰ پیورو

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

پیام ما به جهانیان: حاکمان ایران مستی جنایتکار و قاتل هستند روابط سیاسی و دیپلماتیک با رژیم اسلامی را قطع کنید!

اطلاعیه پیرامون برگزاری ۱۶ آذر در خارج کشور

ایران برعلیه رژیم اسلامی، اعلام کرد. این تظاهرات به مدت یک ساعت تا ۵ بعد از ظهر ادامه داشت.

سوئد (استکهلم) - سه شنبه ۶

دسامبر غرفه اطلاعاتی از طرف کمیته استکهلم حزب کمونیست کارگری در مرکز شهر برگزار شد. فعالین حزب با برگزاری میز اطلاعاتی، پخش اطلاعیه های حزب و جمع آوری امضا به دفاع از مبارزات دانشجویان پرداختند.

حمایت حزب سوسیالیست های عدالتخواه سوئد از دانشجویان و کارگران ایران- بدنبال فراخوان دبیر تشکیلات خارج از کشور حزب به جهانیان مبنی بر اعلام حمایت از مبارزات دانشجویی و مردمی در ایران، حزب سوسیالیست های عدالتخواه سوئد نیز با ارسال نامه ای به احمدی نژاد ضمن طرح خواست رفع اتهام از فعالین اول ماه مه سقز از اعتراضات دانشجویان ایران برای لغو حجاب اجباری و علیه جداسازی دختران و پسران دانشجو حمایت کرد. این حزب رژیم اسلامی را بعنوان يك رژیم سرکوبگر بشدت محکوم نمود.

استرالیا (سیدنی) - بمناسبت سالگرد

۱۶ آذر روز ۳ دسامبر غرفه اطلاعاتی از سوی فعالین حزب در پاراماتا، واقع در حومه سیدنی غربی، دایر شد. این غرفه اطلاعاتی به جنایات جمهوری اسلامی و مبارزات دانشجویان و مردم معترض بر علیه این رژیم اختصاص داشت. اطلاعیه های مربوط به اعتراضات اخیر دانشجویان، نامه ارسالی حزب به سازمانهای کارگری دنیا برای جلب حمایت از فعالین اول ماه مه سقز، بروشور سنگسار چگونه انجام می شود و اطلاعیه فارسی ۱۶ آذر واحد حزب بدست عموم داده شد. همچنین طوماری در اعتراض به نقض حقوق بشر در ایران و بمنظور حمایت از مبارزات مردمی در اختیار همگان قرار گرفت و تعداد قابل توجه ای امضا جمع آوری گردید. این طومارها برای سفارت جمهوری اسلامی و وزارت امور خارجه استرالیا ارسال خواهد شد. در جریان این غرفه تصاویر، عکسها و شعارهای متنوعی در ارتباط با جنایات جمهوری اسلامی و تعذبات حکومت اسلامی به مردم ایران به معرض نمایش گذاشته شد. این غرفه با استقبال مرمور و روپرو گردید.

صفحه ۸

علیه بشریت محاکمه شوند". او مکررا از مردم سوئد خواست که به هر طریق که می توانند از مبارزات مردم و دانشجویان ایران حمایت کنند. وی همچنین بر این خواست که دولت سوئد باید هر گونه روابط دیپلماتیک و سیاسی خود با ایران را قطع کند، تاکید نمود. در این میتینگ عادل البوغیش نیز به زبان انگلیسی سخنرانی کرد و از وجود مقابله ای عمیق و گسترده در جامعه ایران میان آزادیخواهی و عدالتخواهی از يك سو و جهل و سرکوب مذهبی از سوی دیگر سخن گفت. اطلاعیه های این تظاهرات به زبان سوئدی در بین مردم پخش شد. تظاهر کنندگان شعارهایی نظیر "مرگ بر جمهوری اسلامی"، دانشجو با آزادی، زنده برابری" و "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" به زبان سوئدی و فارسی سر دادند. مردمی که با تظاهر کنندگان صحبت می کردند از وجود نیرویی که در ایران بر علیه اسلام سیاسی مبارزه می کند ابراز خشنودی می کردند.

سوئد (گوتنبرگ) - روز سه شنبه ۶

دسامبر تظاهراتی به مناسبت ۱۶ آذر در مرکز شهر گوتنبرگ از طرف کمیته گوتنبرگ تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری و جوانان کمونیست در گوتنبرگ برگزار شد. تظاهر کنندگان پلاکاردهایی در افشای جنایات رژیم جمهوری اسلامی و در حمایت از مبارزات دانشجویان و مردم ایران در دست داشتند و با دادن شعارهایی خواستار سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی شدند. در طول تظاهرات صدها نسخه از اعلامیه حزب و سازمان جوانان کمونیست که به سوئدی ترجمه شدی بود، در بین مردم توزیع گردید با وجود هوای سرد و بارانی نمایشگاه عکسی ترتیب داده شده بود که در آن صحنه هایی از جنایات رژیم اسلامی و مبارزات مردم بر علیه جانیان حاکم بر ایران، در معرض دید مردم گذاشته شده بود. در این تظاهرات نماینده حزب سوسیالیست های عدالتخواه با خواندن اطلاعیه ای حمایت این حزب را از این تظاهرات و مبارزات مردم

ترو و تعقیب انسانهای مبارز و آگاه و مخالف رژیم ندارد. مردم ایران و بویژه دانشجویان دیگر بیش از این حاضر نیستند این وضعیت را مشاهده کنند و عکس العملی نشان ندهند. آنها در این روز تمام سعی خود را میکنند که رژیم سرکوبگر اسلام سیاسی را سرنگون کنند و در سراسر کشور اعتراضات، تجمعات و تظاهرات هایی را تدارک می بینند. این نه تنها به خاطر زنده نگه داشتن یاد دانشجویانی است که جانشان را از دست داده اند، بلکه به این خاطر نیز هست که هر روز زندگی تحت حاکمیت اسلام سیاسی در ایران بمعنای تداوم سرکوب، تعقیب و شکنجه برای میلیونها انسان است. رژیم تهران به نزدیک بودن پایان عمر خود کاملا واقف است. این بی دلیل نیست که محوطه دانشگاهها بیشتر به یادگانهای نظامی شبیه است. ما به این دلیل آزادی فوری همه دانشجویان زندانی، لغو همه قوانین و مقررات اسلامی در دانشگاهها، خاتمه دادن به جدا کردن زنان و مردان و همچنین از بین برداشتن قانون حجاب در آنجا را خواهیم. ما همبستگی خود را با دانشجویان مبارز و همه انسانهای مبارز و آگاه در ایران اعلام میکنیم. مبارزه شما مبارزه ما نیز هست! ما از مبارزات شما حمایت و پشتیبانی میکنیم و در آینده نیز هر نوع حمایتی که از ما ممکن باشد دریغ نخواهیم کرد."

سوئد (مالمو) - در هوای سرد شهر

مالمو تظاهرات ایستاده ۷ دسامبر حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان کمونیست بمناسبت ۱۶ آذر با شور و حال برگزار شد. در برابر تظاهرات کنندگان بر پارچه ای نوشته شده بود: "سرنگون باد جمهوری اسلامی ایران". حسن صالحی از جانب حزب به دفاعات به زبان سوئدی برای مردم صحبت کرد. وی در این سخنان پرشور که با استقبال مردم نیز روپرو گردید اعلام کرد که "کسانی که در ایران حکومت می کنند مستی قاتل و جنایتکار هستند که باید بدلیل جرم و جنایت

میتینگ حبيب نصوحی، ژیل حقگو و سیامک مکی از حزب کمونیست کارگری ایران و محسن قاسمخانی از سازمان جوانان کمونیست به زبانهای فارسی و آلمانی سخنرانی هایی ایراد کردند. سخنرانان در صحبتهای خود به اعتراضات حق طلبانه دانشجویان و جوانان و نقش پیشرو آنان در جنبش سرنگونی و انقلابی تاکید کردند. آنها سیاستهای سرکوبگرانه جمهوری اسلامی و دولت احمدی نژاد و بویژه کشته شدن دو دختر دانشجو بدست عمال رژیم را شدیداً محکوم کردند. سخنرانان خواستار محاکمه و مجازات جنایتکاران جمهوری اسلامی به جرم جنایت علیه بشریت شدند. همچنین در این صحبتها بر جدا شدن مذهب از دولت و آموزش و پرورش، لغو حجاب اسلامی، از بین بردن آپارتاید جنسی و قطع رابطه دیپلماتیک دولتها با جمهوری اسلامی تاکید شد. شعارهای تظاهرات عبارت بودند از: زنده باد آزادی، برابری، حکومت کارگری، زنده باد سوسیالیسم، مرگ بر جمهوری اسلامی، حکومت ضد زن ناپود باید گردد، دانشجو دانشجو حمایت میکنیم، آزادی زندانی سیاسی، سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض.

اطلاعیه حمایت از مبارزات دانشجویان ایران از سوی سازمان جوانان سوسیالیست آلمان- سازمان جوانان سوسیالیست آلمان- شاخه برمن- با صدور اطلاعیه ای بمناسبت ۱۶ آذر با مبارزات دانشجویان در ایران اعلام همبستگی کرد. در بخشی از این اطلاعیه که واکنشی به فراخوان خلیل کیوان- دبیر تشکیلات خارج کشور حزب- مبنی بر حمایت سازمانهای دانشجویی، جوانان و سازمانهای مدافع حقوق انسان در سراسر جهان از دانشجویان ایران است، چنین می خوانیم: " ۷ دسامبر سالروز اعتراضات و مبارزات دانشجویی در ایران علیه رژیم مرتجع اسلام سیاسی است. مردم مبارز و آگاه ایران در این روز یاد آور میشوند و اعلان میکنند که زندگی تحت حکومت خشن اسلام سیاسی معنایی جز شکنجه،

بمناسبت ۱۶ آذر از سوی تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران و سازمان جوانان کمونیست يك رشته فعالیت و میتینگ اعتراضی در کشورهای مختلف دنیا انجام گرفت که در اینجا به اطلاع عموم می رسانیم:

آلمان (فرانکفورت) - روز ۳

دسامبر از سوی حزب و سازمان جوانان کمونیست يك میتینگ اعتراضی در مرکز این شهر به مناسبت ۱۶ آذر برگزار شد. این میتینگ از ساعت ۱۱ صبح تا ۱۴ بعد از ظهر به مدت ۳ ساعت به طول انجامید. در این میتینگ اطلاعیه هایی پیرامون ۱۶ آذر و مبارزات مردم ایران و اقدامات جنایتکارانه جمهوری اسلامی در بین مردم توزیع شد و تظاهر کنندگان در گروههای چند نفره با مردم در باره اوضاع ایران به گفتگو پرداختند. دعوت تظاهر کنندگان برای حمایت از مبارزات دانشجویان و مردم ایران با استقبال یک گروه بزرگ از دانش آموزان جوان روپرو شد و آنها آمادگی خود را برای هرگونه همکاری اعلام کردند. مردم زیادی با دریافت اوراق اطلاعاتی، مشتاقانه خواهان شنیدن اطلاعات بیشتر از تحولات ایران بودند که این توضیحات از سوی تظاهر کنندگان به مردم ارائه شد. در حالی که مدیای رسمی در آلمان و سایر کشورهای جهان در قبال اعمال جنایتکارانه جمهوری اسلامی و مبارزات مردم ایران علیه این جنایات سکوت اختیار می کنند، کار اطلاع رسانی که در میتینگ روز ۳ دسامبر انجام گرفت، چشمهای زیادی را به روی واقعیات جامعه ایران باز کرد.

آلمان (هامبورگ) - روز ۷ دسامبر

میتینگ در حمایت از مبارزات دانشجویان و مردم ایران برعلیه جمهوری اسلامی بمناسبت سالگرد ۱۶ آذر برگزار شد. این میتینگ که از سوی حزب کمونیست کارگری و سازمان جوانان کمونیست در آلمان فراخوان داده شده بود از ساعت ۱۴:۳۰ آغاز گردید و بمدت ۲ ساعت به طول انجامید. در این

مراسم بزرگداشت چهاردهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران در لندن برگزار شد

روز شنبه ۳ دسامبر ۲۰۰۵ از طرف واحد انگلیس حزب کمونیست کارگری ایران مراسمی در بزرگداشت چهاردهمین سالگرد حزب کمونیست کارگری ایران بر پا گردید. در این مراسم ابتدا شیوا محبوبی، دبیر واحد انگلیس، ضمن خوش آمدگویی به حضار، چهاردهمین سالگرد تاسیس حزب کمونیست کارگری ایران را تبریک گفت. برنامه با یک دقیقه سکوت به یاد منصور حکمت و تمام جانباختگان راه آزادی و سوسیالیسم و سپس پخش سرود انترناسیونال شروع شد.

در این برنامه ابتدا بخشی از سخنرانی منصور حکمت پخش گردید و سپس اصغر کریمی، از رهبری حزب کمونیست کارگری ایران، در رابطه با ویژه‌گی‌های این حزب در تمایز با سایر جنبشها و جریان‌های موجود و نقش آن در ایجاد تغییر در زندگی انسانها سخنرانی کرد.

از صفحه ۲ قطعنامه دفتر سیاسی

شهروندان جامعه مستقل از قومیت، جنسیت، نژاد، مذهب و هویت ملی تضمین شده باشد، یک جمهوری سوسیالیستی است. جمهوری سوسیالیستی جامع‌ترین و کامل‌ترین نظام سیاسی مدرن و سکولاری است که می‌تواند آزادی و برابری و رفاه مردم را تضمین کند.

حزب کمونیست کارگری برای ایجاد بیشترین آمادگی در صفوف طبقه کارگر و هشیار کردن کل جامعه و توده مردم بمنظور مقابله با مخاطرات و ظرفیتهای مخرب جریان‌های ناسیونالیست و قومگرا، تلاش می‌کند. این سیاست بخشی از تلاش ما برای متحد کردن صفوف هر چه وسیعتری از کارگران و توده مردم و سازماندهی و رهبری انقلاب اجتماعی علیه جمهوری اسلامی

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری
۳۰ نوامبر ۲۰۰۵

مراسم بزرگداشت چهاردهمین سال تاسیس حزب کمونیست کارگری در شهر گوتنبرگ سوئد برگزار شد

روز شنبه ۳ دسامبر به مناسبت چهاردهمین سال تاسیس حزب کمونیست کارگری مراسمی در خانه آینده در شهر گوتنبرگ برگزار شد. سالن خانه آینده مملو از جمعیت بود و بیش از صد نفر از اعضا و دوستان حزب در این محل جمع شده بودند تا سالگرد یک رخداد بزرگ را جشن بگیرند. در ابتدا بهروز مهرآبادی دبیر تشکیلات گوتنبرگ حزب به مهمانان خوش آمدگفت و از مینا احدی عضو دفتر سیاسی حزب دعوت کرد تا به این مناسبت برای حاضرین صحبت کند. مینا احدی در یک سخنرانی پر شور درباره خاطره اش از تاسیس حزب، از منصور حکمت و از نقش و اهمیت امروز حزب صحبت کرد. بعد از سخنرانی مینا احدی، فرشاد حسینی عضو کمیته مرکزی حزب با خواندن یک دکلمه زیبا از حاضرین دعوت کرد که جام‌های خود را به سلامتی و با آرزوی پیروزی حزب بنوشند.

تظاهرات شیوا محبوبی دبیر تشکیلات حزب در انگلیس و جلیلی جلیلی از کادرهای حزب به انگلیسی و فارسی سخنرانی کرده و با افشای جنایات رژیم توحش اسلامی طی بیست و شش سال گذشته، مردم را به حمایت از مبارزات مردم ایران برای سرنگونی رژیم اسلامی، فرا خواندند.

تشکیلات خارج کشور
حزب کمونیست کارگری ایران
تشکیلات خارج کشور
سازمان جوانان کمونیست

۸ دسامبر ۲۰۰۵ - ۱۷ آذر ۱۳۸۴

از صفحه ۷ پیام ما به جهانیان

بزرگ (آنتورپ) - روز ۷ دسامبر فعالین حزب و سازمان جوانان کمونیست در شهر "آنتورپ" علیه رژیم هوای بارانی، اجتماعی را بمناسبت ۱۶ آذر برپا کردند و با مردم در باره اوضاع ایران به گفتگو پرداختند. در این اجتماع اوراق اطلاعاتی پیرامون مبارزات دانشجویان علیه رژیم اسلامی در میان مردم توزیع شد. **انگلیس (لندن) -** جمعی از ایرانیان مقیم انگلیس روز ۱۶ آذر، روز دانشجو، همراه و همگام با مردم در کشورهای مختلف و از جمله در

ایران، اعلام کردند که بساط آپارتاید جنسی و حکومت فقر و استبداد مذهبی در ایران باید برچیده شود. آزادخواهان در تظاهرات لندن اعلام کردند که به میدان آمده‌اند تا به عمر رژیم اسلامی پایان دهند و بر ویرانه‌های این رژیم یک حکومت آزاد برابر و مرفه بنا کنند. این تظاهرات در مقابل سفارت جمهوری اسلامی برگزار شد. یکی از شعارهای تظاهرات که مداوماً به گوش میرسید، بسته شدن لانه تروریستی جمهوری اسلامی بود. در این

"No To Political Islam" برنامه ای از کانال جدید

برنامه No to Political Islam برنامه‌ای از آذر ماجدی به زبان انگلیسی از کانال جدید روزهای دوشنبه ۸ تا ۹ شب و پنجشنبه ساعت ۲ و نیم تا ۳ و نیم بعد از ظهر بوقت اروپای مرکزی پخش میشود. در این برنامه آذر ماجدی از طریق مصاحبه، جدل و گزارش مسائل مربوط به اسلام سیاسی، بحران خاورمیانه، سکولاریسم، تروریسم اسلامی و حقوق زن را مورد بحث و بررسی قرار میدهد. توجه شما را به دیدن این برنامه جلب میکنیم. پیشنهادات و سوالات خود را برای آذر ماجدی ارسال کنید. این برنامه را به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید.

ایمیل: azrmajedi@yahoo.com
فکس: ۲۷۲۲ ۲۷۴ ۳۲۳ ۱+
تلفن: ۲۷۱۸ ۲۷۴ ۳۲۳ ۱+

این برنامه را از طریق اینترنت نیز میتوانید مشاهده کنید. www.newchannel.tv

مشخصات ماهواره: تله استار ۱۲، فرکانس ۱۲۶۰۸، سیمبل ریت ۱۹۲۷۹ اف ای سی، پلاریزاسیون افقی
روابط عمومی کانال جدید

یک اقدام سمبلیک

روز ۲۶ نوامبر، روز جهانی اعلام اعتراض به خشونت بر علیه زنان، در شهر کلن آلمان مراسمی برپا شد و در آن مینا احدی با دادن گزارشی از مجموعه فعالیتهای کمپین گسترده اعتراض به حکم شهلا جاهد

سرما و گرما و در هر شرایطی هر هفته دو بار در مرکز شهر کلن میزبانی برپا کرده و عکس شهلا و کبرا و محکومین به اعدام در ایران را در هزاران نسخه بطور مداوم توزیع کرده و هزاران امضا بر علیه این احکام جمع کرده‌اند، در این جمع هستند. از طرف همه کسانی که

شهر کلن برپا شده است. در همان مراسم، در یک اقدام سمبلیک دیگر، احمد نجار، یک دوستدار حزب به مناسبت تلاشهای کمیته کلن بر علیه اعدام در ایران مبلغ ۱۵۰ یورو به کمیته کلن اهدا کرد. *